

اصلاً اگر جدایی نادر از سیمین از همان تکنیک آقای عیاری استفاده می کرد چقدر حس مانسبت به فیلم عوض می شد؟!

جاهد: به اعتقاد شما چقدر این فیلم آقای فرهادی از این قاعده آسیب دیده است؟

امیر یوسفی: تاریخ سینما جواب این سؤال را می دهد. منظورم این نیست که فیلم هایی چون «جدایی نادر از سیمین» محافظه کار بوده اند، تمامی فیلم های خوب و درخشانی که می بینیم جایگاه خاص خود را دارند، اما وقتی «کاناپه» آقای عیاری را می بینی متوجه می شوی که سی و خورده ای سال است که چه کلاهی سر خودمان گذاشته ایم؟! سکانس اول «کاناپه» را که با کلاهی خانم ها دیدم شبیه دراکولایی بودم که نور می بیند اما این حس فقط در یک سکانس بود. بعد از آن فراموش کردم که زنان فیلم بدون حجاب هستند و کلاه گیس به سر دارند.

عیاری: من با تعدادی از کسانی که فیلم را دیدند صحبت کردم، بدون استثنا حرفشان همین بود. دقایق اول یک هیجان ایجاد می شود و بعد از آن عادی است. اگر فیلم بعدی را من یافرد دیگری بسازد، دیگر آن هیجان دقایق اولیه هم نخواهد بود. اطمینان داشته باشید بعد از ۳ یا ۴ فیلم خود مسئولان شگفت زده خواهند شد که چرا این مدت سینما از چنین راهکار بدیهی محروم بوده است. شق القمری رخ نداده است فقط یک راهکار برای امری است که پایه اش غلط گذاشته شده است. مثل کراوات که کینه ای در باره آن به وجود آمد و اگر از گردن کسی کراوات آویزان بود به او بد نگاه می کردند در حالی که امروز خیلی عادی است.

جاهد: آقای عیاری یکی از بهترین فیلمسازان رئالیست هستند و همیشه فیلم های شان را ستایش کرده ام. واقعاً نمی شود از آقای عیاری انتظار داشت که یک اصل بدیهی زندگی اجتماعی یا خانوادگی در جامعه را در سینما تحریف کند. این مشکلی است که ما در سینمای ایران با آن مواجهیم و اگر سینمای ایران به مسیری برود که همه وجوه زندگی را به رئالیستی ترین شکلش نشان دهد، دیگر کسی تعجب نمی کند و بحث عادت هم مطرح نمی شود.

عیاری: در فیلم «دو نیمه سیب» در سال ۱۳۶۹ در یک پلان دوسه دقیقه ای فلاش بک طولانی خانم مرجانه گلچین را با موهای افشان و بدون حجاب فیلمبرداری کردم، بدون هیچ تغییری این فیلم در سال ۱۳۷۰ اکران شد. در سال ۷۶ در فیلم «بودن یا نبودن» خانم لوریک میناسیان وارد خانه شان می شوند و روسری را از سرشان بر می دارند و جالب است کاری به کارش نداشتند. البته در پخش تلویزیونی شنیدم همان تک پلان را در آورده بودند. در آغاز فیلم «بیدار شو آرزو»، در نخستین پلان فیلم بهناز جعفری با موهای افشان از زیر آوار بیرون می آید و سعی می کند دوستش را نجات دهد و در آخر امر با جسد دوستش که زیر آوار است برخورد می کند. بعد به علت سرمای خیلی زیاد پتویی را از زیر آوار بیرون می کشد و بدن و سر خود را می پوشاند. این شهاب سنگ ها در سه فیلم من بود اما هیچ کدام به عنوان یک شروع نیست. اگر اجماعی که می فرمایید اتفاق بیفتد به نتیجه خواهد رسید چرا که هیچ مشکل شرعی ندارد. مدتی قبل در روزنامه قانون در پرونده ای نظرات چند نفر از جمله آیت الله بیات، آیت الله صانعی، آیت الله مکارم شیرازی و... در این خصوص منتشر شد که متأسفانه با درگذشت آقای هاشمی که همه چیز تحت الشعاع این مسأله بود همزمان شد و بعد از آن هم حادثه پلاسکو باعث شد این موج در حال خیزش فروکش کند.

به گفته آقای حسین نژاد برآیند نظرات اعضای هیأت انتخاب هم همین بوده است و آنها هم بر این باور بوده اند که استفاده از کلاه گیس مشکل شرعی ندارد.

امیر یوسفی: در تاریخ سینمای ایران عملکرد این هیأت انتخاب قضاوت خواهد شد. هر توجیهی هم که بیاورند نپذیرفتن «کاناپه» در جشنواره را آنها امضا کردند. هیأت انتخاب باید شهادتشان را داشت و می گفت نمی پذیرد که چنین فیلمی بیرون از جشنواره بماند. در تاریخ سینمای

چشم ها متوجه این تفاوت خواهد شد؛ هرگاه فیلمی با اندک بداعتی تولید شد به خاطر همان تفاوت اندک توجهات را جلب کرد.

امیر یوسفی: همه اهالی سینمای ایران حرفه ای هستند و کار خودشان را هم خوب بلدند، منتهی در این حوزه هم مثل همه جای دنیا قرار نیست همه پیشرو باشند. این مبحث به آن ۵ درصد سینماگری بازمی گردد که وظیفه دارند این پیشروی را داشته باشند. مشکل به همان دهه ۶۰ برمی گردد. زمانی که اهالی سینما گفتند که سینما ما را می خواهند کنار بگذارند و ما تلاش کنیم که سینما بماند. در صورتی که به نظر یک توهم بود. همان زمان تمام قواعد را پذیرفتند و سعی کردند سینمایی را به وجود بیاورند که کنار گذاشته نشود. در صورتی که می بینیم رویکرد نظام هم به این شدت نبود.

جاهد: من فکر می کنم که مسأله حجاب در سینمای ایران به وسیله سینماگرها حل شدنی نیست. این مسأله یک مسأله کاملاً شرعی است که به قانون این مملکت برمی گردد و بالاترین مقام یا مراجع شرعی باید درباره آن تصمیم بگیرند.

عیاری: بازیگران زن کاناپه که دو نفرشان میانسال بودند و چهار نفرشان جوان تر موهایشان توسط یک گریمور زن تراشیده شد و توسط یک خانم، فیلمبرداری شد تا اگر کسی گفت عیاری دروغ می گوید و اینها موهای خودشان است، نمایش داده شود که این ها واقعاً موهایشان را با نمره ۴ کوتاه کردند.

امیر یوسفی: فیلم آقای عیاری بدون اینکه حدومرز اخلاقی یا دینی را بشکند راه حلی خیلی هوشمندانه است که به ما یاد آوری می کند که در این سال ها چقدر در حق سینما اجحاف کرده ایم. در دهه ۶۰ تصویر این حجاب صحنه هایی را به وجود آورده است که الان جوک و شرم آور است. نیمه شب به مردی در

تخت خواب زنگ می زند که عملیات شده است و بعد خانمش با چادر از کنارش بلند می شود که رضا چه شده؟ من نه چریک هستم و نه قصدم این است که قهرمانانه صحبت کنم. بحث سر این است که دهه ۶۰ یک اتفاقی افتاد و هول هولکی فکر کردیم که مردم هم می پذیرند، اما آیا واقعاً مردم پذیرفتند؟!

جاهد: الان ژانر متداول و رایج در سینمای ایران ملودرام است و ملودرام هم به معنای زن و شوهر، خانواده، اتاق و... است. اگر حرفت این است که مردم نپذیرفته اند و هنوز به این قواعد عادت نکرده اند پس چرا اینقدر در این زمان ملودرام ساخته می شود؟ چرا فیلمسازان سراغ موضوعات دیگر نمی روند؟

امیر یوسفی: چون ارزان تر است و برای ساخت ملودرام یک خانه و چند بازیگر لازم است. تهیه کننده می گوید این بهترین مدل است چون نه قرار است شهرستان برود و نه اسب و دکور بیاورد که فیلم تاریخی بسازد.

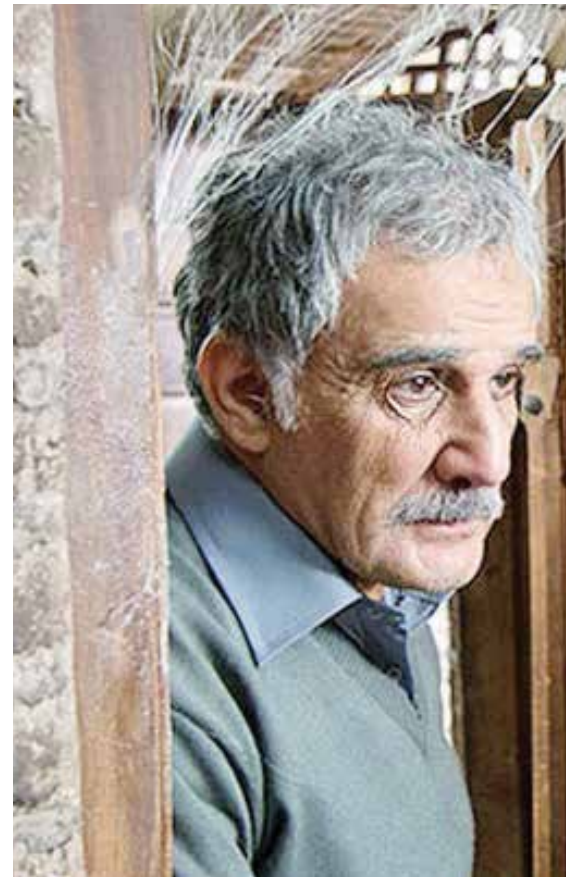
را رعایت می کند و از آن طرف مخاطب هم پس نمی زند که مثلاً چرا این زن در رختخواب روسری دارد!! شاید این برای تماشاگر داخلی سؤال نباشد اما تماشاگر خارجی همیشه فکر می کند که در جامعه ایران واقعاً زن ها این گونه هستند.

امیر یوسفی: به نظر من اینکه بگوییم مردم عادت کرده اند، دقیقاً مثل این است که در دوره رضاشاه که کشف حجاب شد بگوییم مردم عادت کردند. دیدیم که به محض اینکه اجبار قانونی برداشته شد چه اتفاقی افتاد.

عیاری: از یکی از همکاران در فضای مجازی خواندم که به من ایراد گرفته بود که چیزی را که مردم پذیرفته اند چرا باید به هم بزنی؟ چون اهل صحبت کردن نیستی و دنبال فرصت هم نیستی که جواب مخالفان را بدهم، رها کردم. اما جواب کلی این است که چرا ما باید فکر کنیم که مردم

«کاناپه»

فیلمی است که باید گل سرسید جشنواره ۹۵ می شد، اما وقتی نمی خواهند، دیگر مشکل آقای عیاری نیست؛ مشکل جشنواره است. اشکال از همه ماست که له له می زدیم همه فیلم ها را ببینیم اما ۲۳ بهمن دیدیم عجب کلاهی سرمان رفت. نفرین کاناپه جشنواره امسال را گرفت. خیالتان راحت! یکی از خنثی ترین و بی رمق ترین جشنواره های تاریخ سینمای ایران را داشتیم



عادت کردند؟! آیا وقتی مردم برای رأی دادن با آقای خاتمی و آقای روحانی می آیند به نشانه این است که همه چیز را پذیرفته اند؟ آقای روحانی و خاتمی که هر دو برای من بسیار قابل احترام هستند آیا تمامیت آرزوها و آمال مردمی هستند که به آنها رأی دادند؟! نه.

جاهد: ما محدودیت ها را می شناسیم و می بینیم کارگردان ایرانی نمی تواند زن را بی حجاب نشان دهد به دلیل اینکه از نظر نمایشی اشکال شرعی دارد، بنابراین ما به عنوان تماشاگر می پذیریم. مگر اینکه دیگر سینماگران ایرانی مثل آقای عیاری به این تصمیم رسیده باشند و آن را بطور رسمی اعلام کنند.

اما این وحدت هیچ وقت میان سینماگران وجود نداشته است که پشت هم بایستند و از یک راه حل حمایت کنند؛ حتی شاید به رویکرد آقای عیاری تردید دارند.

عیاری: در بین یک دسته سرباز همقد، وقتی سربازی دوسانت قدش بلندتر باشد خیلی طبیعی است که همه